فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی۲، پاییز ۹۳، صفحات ۱۳۹-۱۶۵

بررسی رابطه هویت ملی و قومی: (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)

حسین مسعودنیا[۱]، راضیه مهرابی کوشکی[۲]، ناهید کیانی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۳

چکیده

افزایش آگاهی‌های محلی و قومی در دوران معاصر اهمیتی مضاعف یافته است؛ به ویژه آن‌که به باور گروهی عواملی هم‌چون جهانی‌شدن باعث تشدید احساسات قومی و تضعیف هویت ملی می‌شود. در برابر این ایده، برخی نیز معتقدند افزایش گرایش‌های قومی با هویت ملی افراد در تعارض نیست و می‌تواند به تقویت آن کمک کند. امروزه آزمون تجربی هریک از این نظریات در جوامع دارای تنوع قومی و زبانی یک ضرورت محسوب می‌شود زیرا اتخاذ سیاستهای هویتی در اینگونه جوامع به ویژه ایران، مستلزم رصد همیشگی میزان گرایش جمعیت فعال و به‌خصوص جوان جامعه به هویت ملی و قومی است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در میان دانشجویان کرد، ترک، لر، ترک و فارس دانشگاه تهران در سال ۹۲-۱۳۹۳ و تأثیر متغیّرهای زمینه‌ای بر آن است. روش این پژوهش پیمایشی است وداده‌ها ازطریق پرسش‌نامه در میان ۲۹۴ نمونه استخراج و با نرم افزار SPSS۲۲ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد برخلاف باور رایج درمیان برخی نظریات، رابطه معکوس و متضادی میان هویت ملی و قومی وجود ندارد و رابطه‌ای مثبت و هم افزا برقرار است. هم‌چنین تحلیل تأثیر متغیّرهای زمینه‌ای بر هویت ملی و قومی نشان می‌دهد جنسیت، نوع رشته‌ی تحصیلی، سطح تحصیلات بیش‌ترین پیش‌بینی‌کنندگان هویت‌ملی و نوع مذهب بیش‌ترین واریانس از هویت قومی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هویت ملی، هویت قومی، دانشجویان دانشگاه تهران، جهانی شدن.

[۱] استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان hmass2005@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان(نویسنده مسؤول) mehrabi_allame@yahoo.com

[۳] دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران kiani_nahid1@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱ - بیان مسأله

ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان رنگین کمانی از اقوام و مذاهب را در خود جای داده که هزاران سال تاریخ و فرهنگ این کشور را رقم زده است و علیرغم تهاجمات و نابسامانی‌های داخلی در دوره‌های مختلف همواره توانسته کیان و تمامیت خود را حفظ و تداوم بخشد. قومیت و ملیت در ایران، چه آن‌را پدیده‌ای کهن و باستانی و چه محصول دوران مدرن بدانیم (احمدی،۱۳۷۷: ۲۷)؛ به بیان آنتونی اسمیت[1] اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسأله (۱۹۷۱) در سیاسی‌شدن آن در دوران معاصر و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن قراردارد. ظهور و بروز انواع خشونت و اختلافات قومی و افزایش وفاداری‌های قومی و زبانی در اقصی نقاط جهان به ویژه منطقه‌ی خاورمیانه، این موضوع را با انسجام ملی و گاه حفظ تمامیت سرزمینی کشورها پیوند داده‌است. مدیریت اختلافات قومی، افزایش هویت ملی، تحقق وحدت ملی در چارچوب احساس تعلق، هم‌بستگی و وفاداری اقوام و قشرهای مختلف به سرزمین، تاریخ، فرهنگ، ملت و دولت و نیز ایجاد اجماع عمومی در مسائل کلان سیاسی و اجتماعی ایجاب می‌کند میزان هویت قومی و ملی شهروندان به خصوص نسل جوان، تحصیل‌کرده و فعّل کشور مورد رصد همیشگی قرارگیرد. جوانی دورانی است که افراد بلوغ شناختی و اجتماعی‌شان را به نمایش می‌گذارند و قدرت بررسی و ارزیابی مفاهیمی چون ملیت و قومیت را دارند؛ در واقع دوران جوانی زمان پررنگ شدن هویت قومی و ملی افراد محسوب می‌شود. (یومانا، ۲۰۰۸: ۱۸). مطالعه‌ی رابطه‌ی هویت ملی و قومی کنشگران جوان و تحصیل‌کرده، اطلاعات ارزشمندی در اختیار سیاست‌گزاران و مهندسان اجتماعی قرار می‌دهد که در شرایط و موقعیت‌های بحرانی چون جنگ، اغتشاشات و بی‌نظمی‌های داخلی، احتمالاً افراد چگونه جهت‌گیری خواهندکرد و برای مدیریت رفتار و نتایج دلخواه نظام سیاسی، احیاناً می‌بایست فرایند شکل‌گیری هویت ملی و قومی در میان نسل‌های جوان مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.

در ادبیات موجود برخی شکل‌گیری هویت‌های قومی و افزایش تعلق خاطر به خرده فرهنگ‌های مادون هویت ملی در جریان جهانی شدن را با تضعیف پیوند سرزمینی و فرهنگ غالب مترادف می‌دانند و همگرایی و انسجام ملی را در معرض خطر توصیف و آن‌را از عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت ملی محسوب می‌کنند (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸). در مقابل، این ایده وجود دارد که تنوع قومی- زبانی در یک جامعه، نشانه‌ی روحیه‌ی مدارای شهروندانی است که در

[1] Anthony Smith

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

کنار یک‌دیگر در صلح زندگی می‌کنند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۱) و لزوماً بالا رفتن میزان هویت قومی به کاهش و تضعیف هویت ملی یا بالعکس منتهی نمی‌شود. مسأله‌ی اصلی این نوشتار این سؤال است که این دو برداشت تا چه اندازه درست است و هویت قومی چهار گروه قومی- دانشجویی دانشگاه تهران (کرد، لر، ترک و فارس) چه نسبتی با هویت ملی آنان دارد و آیا لزوماً این رابطه در تقابل و تضاد تعریف می‌شود؟ هم‌چنین نقش متغیّرهای زمینه‌ای در این رابطه چگونه است؟

به این ترتیب هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی در میان چهار گروه قومی- دانشجویی دانشگاه تهران است. شناخت تأثیر متغیّرهای جنسیت، سطح تحصیلات، رشته‌ی تحصیلی و مذهب بر گرایش دانشجویان به هویت ملی و قومی نیز از اهداف فرعی این پژوهش است.

۲ - مباحث مفهومی و نظری

جذابیت مفهوم هویت[1] برای رشته های مختلف علوم انسانی مجموعه‌ی متنوعی از تعاریف و نظریات را پدید آورده است. با وجود این تکثّر و گستردگی ابتدا به تعریف مختصر سه اصطلاح هویت، هویت قومی و ملی پرداخته می‌شود و آنگاه پیشینه‌ی نظری مرتبط با رابطه‌ی تقابل یا هم افزایی هویت ملی و هویت قومی تبیین خواهد شد.

هویت

ماهیت پیچیده و سیّال مفهوم هویت آن‌را موجد معانی متعدد کرده به‌طوری که هر رشته‌ی علمی به فراخور روش و مسأله علمی، معنای خاصی از آن در نظر گرفته است. در فرهنگ جامعه شناسی هویت به معنای پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر اطلاق می‌شود که از طریق تعاملات اجتماعی و در فرآیند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد (جانسون،۱۹۹۷). گیدنز آن‌را منبع معنا برای کنشگران می‌داند (نوچه فلاح، ۱۳۸۳: ۴۲) و از منظری دیگر، هویت به شناسنامه‌ی فرد یا گروه تعبیر می‌شود که او را از سایر افراد یا گروه‌ها متمایز می‌کند (شیخاوندی، ۱۳۸۱ :۴) به عبارت دیگر هویت تلاشی است که فرد یا افراد به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می‌دهند (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۰).

[1] Identity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در تعاریف موجود چند نکته‌ی مشترک دیده می‌شود: نخست آن‌که هویت ماهیتی رابطه‌ای دارد. یعنی در مفهوم هویت، چه در سطح فردی یا جمعی[1]؛ علاوه بر شناخت فرد یا گروه، تصور دیگران هم مطرح است. به بیان جنکینز[2]، هویت به طور هم‌زمان دو نسبت احتمالی شباهت و تفاوت را میان افراد یا گروه‌ها برقرار می‌کند(جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). تاجفل[3] نیز شکل‌گیری هویت را قرین دو احساس متضاد تعلق به گروه خودی و دیگری احساس تمایز یا تبعیض در برابر گروه‌های غیر خودی قرار می‌دهد (تاجفل،۱۹۷۲: ۳۱).هویت در پاسخ به سؤال «من کیستم یا چیستم» و یا «ما کیستیم و چیستیم» دربردارنده‌ی دو صفت همسانی و ناهمسانی و یا تشابه و تمایز میان «خود و دیگری» یا «خودمان و دیگران» است. بر این اساس هویت جمعی معرّف احساس همسانی، تشابه، تعلق و وفاداری افراد به گروه‌های اجتماعی یا واحدهای جمعی نظیر خانواده، طبقه‌ی اجتماعی، قوم و ملیت بوده و در عین حال بیان‌کننده‌ی تفاوت، ناهمسانی و تمایز با سایر واحدهای جمعی متناظر است.

نکته‌ی دوم در آگاهانه و اجتماعی بودن هویت قرار دارد. هویت شکلی از آگاهی[4] به خود، گروه، جامعه، فرهنگ و تاریخ را القا می‌کند (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۴) که فرد در فرایند اجتماعی‌شدن و در تعامل و ارتباط با افراد یا گروه‌های دیگر کسب کرده‌است. به بیان دیگر هر آن‌چه به سؤالات «کیستم» یا «کیستیم» الصاق می‌شود، بازتابی از شرایط اجتماعی است که فرد در آن زندگی اجتماعی را فراگرفته است. از طرفی هویت نه تنها ماهیتی رابطه‌ای، آگاهانه و اجتماعی دارد که پویا و سیّال نیز است. به طور کلی تحول و تغییر هویت اعم از فردی و جمعی تابعی از موقعیت اجتماعی، کمّ و کیف تعاملات فرد با گروه‌های اجتماعی، نوع تحصیلات و منابع شناختی است که فرد در معرض آن قرار می‌گیرد. افراد در طول حیات خود ممکن است شبکه‌ی تعاملات خود را از سطح گروه‌های نخستین (خانواده، اقوم، دوستان و هم‌سالان) به گروه‌هایی با ماهیت بزرگ‌تر، عام‌تر و حتی جهانی‌تر گسترش دهند (کرایپ، ۱۹۹۸ ، تونیس، ۱۳۸۱). بنابراین صورت‌بندی هویت افراد، همواره تحت تأثیر منابع شناختی و هویتی متعدد و مختلف، در معرض باز تولید، بازبینی و بازتعریف قراردارد.

[1] Collective Identity
[2] Richard Jenkins
[3] Tajfel
[4] Consciousness

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

از سوی دیگر، هویت علاوه بر پویایی باردار احساس و ارزش نیز است. وجود هویت‌های مضاعف، هم‌چون هویت قومی، هویت دینی، هویت زبانی، هویت ملی، هویت جنسیتی و هویت مربوط به گروه‌های شغلی که یک فرد هم‌زمان با خود به دنبال دارد، هویت را موجد رفتارهای احساسی و ارزشی کرده است که در برخی موارد با رفتار عقلانی تباین پیدا می‌کند (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۵). نکته‌ی نهایی در این بخش، انعکاس هویت در ایجاد انسجام رفتاری و الگوی یکسان قضاوت و عمل جمعی است. بر اساس تعریف یونسکو هویت هسته‌ی مرکزی شخصیت فردی و جمعی است که اعمال، رفتارها و تصمیمات اصلی فرد یا یک جمع (قوم، ملیت) را شکل می‌دهد (سلیمی،۱۳۷۹: ۱۳۵).

هویت ملی

هویت ملی چه پدیده‌ای کهن و باستانی و چه محصول دوران مدرن توصیف شود از مهم‌ترین، مشروع‌ترین و فراگیرترین انواع هویت به حساب می‌آید (احمدی، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۳: ۱۶۹) هویت ملی از اقسام هویت جمعی و اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق به عناصر و نمادهایی نظیر تاریخ، سرزمین، دین، مفاخر فرهنگی، دولت، زبان و ادبیات ملی می‌داند و در مقابل آن احساس تعهد، وفاداری و تکلیف می‌کند. اغلب تحقیقات و مطالعات این حوزه، هویت ملی را دارای چهار بعد ۱- سرزمینی(جغرافیایی)، ۲ - فرهنگی- اجتماعی، ۳- سیاسی و ۴- تاریخی در نظر می‌گیرند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷).

در این میان احساس تعلق خاطر و وفاداری به نظام سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر مهم است افرادی که در یک جغرافیای سیاسی زندگی می‌کنند و تابعیت آن کشور را دارند؛ به لحاظ احساسی و روانی خود را عضو نظام سیاسی بدانند و نسبت به آن آگاهی و احساس تعلق خاطر و یگانگی داشته باشند. به نظر می‌رسد آن‌چه مطلوب پنداشته می‌شود این است که هویت ملی باید به عنوان زبان مشترک و بر مبنای یک فرهنگ عمومی[1] (نظامی از ایده‌ها، نشانه‌ها، معاشرت و رویه‌های رفتاری مشترک) در میان اعضای یک گروه ملتی پذیرفته شده و افراد نسبت به آن از آگاهی برخوردار باشند(بارت، ۱۳۸۱: ۱۴؛ هابزباون، ۱۹۹۲: ۱۰و گلنر، ۱۹۸۳). زیرا در هنگامه‌ی مواجهه و ورود کشورها به بحران داخلی و جنگ منطقه‌ای، این احساس تعلق و فداکاری ملت به دولت است که به عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت‌ها را تضمین می‌کند. این امر ناشی از کارکرد انسجام دهندگی و همانندسازی هویت

[1] Common culture

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

ملی است. وقتی این موضوع به میزان بالایی در میان اتباع یک کشور شکل بگیرد حفظ یک-پارچگی، ایجاد وحدت حول آرمان‌های مشترک و مقابله با خطرات و تهدیدات میسر شده و در عرصه‌ی عمل، افراد یک‌پارچه و منسجم عمل می‌کنند (میلر، ۱۳۸۲: ۳۱).

هویت قومی

اصولاً واژگانی چون قومیت[1] و گروه قومی ریشه‌های جدید دارد و تا قبل از قرن بیستم به ندرت در پژوهش‌های جامعه شناسان دیده می‌شد. افزایش مهاجرت به ایالات متحده و پیامدهای سیاسی و اجتماعی حضور اقلیت‌های قومی در این کشور، نقطه‌ی عطف مطالعات مربوط به گروه‌های قومی است که از دهه‌ی ۱۹۶۰ رواج یافت. با این وجود تعریف واحد و یکسانی درباره‌ی این واژگان وجود ندارد و طیف گوناگونی از مصادیق مذهبی، نژادی و زبانی به خود گرفته‌اند (احمدی، ۱۳۷۷ و مقدس‌جعفری و همکاران، ۱۳۸۷). برخی معتقدند هویت قومی، دلالت بر همگانی و یکسانی دسته‌ای از افراد دارد که دارای منشأ، سرنوشت، تجربه‌های تاریخی و احساس مشترک و در برخی موارد اقامت جغرافیایی مشترک هستند (قمری،۱۳۸۴). برخی نیز آن‌را مفهومی می‌دانند که می‌تواند از عوامل نژادی، زادگاه، نمادی و فرهنگی متأثر باشد (مایکل و استیو، ۱۹۹۳: ۳۰) هم‌چنین تاجفل معتقد است هویت قومی بخشی از«پنداشت از خود»[2] است که از آگاهی و شناخت افراد از عضویت در گروه ناشی شده و همراه با ملاحظات احساسی و ارزشی است (پنی، ۱۹۹۰: ۵۰۰). به نظر می‌رسد هویت قومی مانند سایر انواع هویت مستلزم مرزهای معنایی است که گروه قومی خودش را از دیگر گروه‌ها متمایز و متفاوت می‌بیند و افراد نسبت به آن آگاهی دارند. این آگاهی پیرامون میراث فرهنگی، ارزش‌ها و منش‌های خاص می‌تواند به تعهد و وفاداری منتهی شود (فینی، ۲۰۰۷: ۲۷۱). منبع ارزش‌ها و تعلقات قومی غالباً نمادهایی چون زبان، دین، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی است که در مدل و مقیاس استاندارد (MEIM)[3] برای سنجش هویت قومی به کاررفته و دارای اعتبار و پایایی بالایی است (یومانا، ۲۰۰۴: ۱۲). این مدل توسط ربانی و همکارانش(۱۳۸۸) و امیرکافی و حاجیانی(۱۳۹۲) متناسب با بافت فرهنگی و اجتماعی ایران به ۱۶ گویه تغییر یافته که در این پژوهش از آن استفاده شد. لذا به‌طور مشخص، منظور از هویت قومی در این تحقیق میزان آگاهی، وفاداری، و گرایش افراد به نمادهای قومی چون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی است.

[1] Ethnicity
[2] Self - Concept
[3] Multi Group Ethnic Identity Measure(MEIM)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

به نظر می‌رسد بتوان نماد زبان را در نمونه آماری این تحقیق یعنی دانشجویان کرد، ترک، لر و فارس، مهم‌ترین وجه تمایز و تفاوت گروه‌های قومی- دانشجویی در نظر گرفت. در این‌جا زبان تنها وجه پیام رسانی ندارد بلکه با کارکرد هویت‌ساز و اجتماعی، در ایجاد شبکه‌های شناختی و اتصالات تعاملی نقش آفرینی می‌کند. هم‌چنین معرّف و نماد تاریخ و فرهنگی است که کاربران آن‌را آگاهانه به کار می‌بندند و به مضامین آن دل‌بستگی و تعهد دارند. انتخاب معنادار یک زبان، یعنی نزدیکی و هم‌زادپنداری با یک موقعیت و بافت معین به لحاظ قومی، محلی، ملی و فرهنگی که پیام خاصی از هم‌بستگی، وحدت یا جدایی و حتی تقابل را منتقل می‌سازد(مدرسی،۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۳۳).

رویکردهای نظری

همان‌طور که در بیان مسأله گفته شد، سؤال این پژوهش بررسی وجود یا فقدان رابطه بین دو متغیر هویت ملی و قومی و نیز نوع رابطه‌ی آن است. پیرامون نوع ارتباط متغیّر هویت قومی و ملی، دو رویکرد کلان را می‌توان از پژوهش‌های نظری موجود تفکیک کرد:

الف- رویکرد خطی و تقابلی به رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی: از این منظر نظری تقویت هویت قومی با تضعیف هویت ملی همراه است (فینی، ۲۰۰۱: ۵۰۱). استدلال‌های متعددی در این زمینه وجود دارد. برخی طرفداران تضاد هویت قومی و ملی بر مسأله ساز بودن مشارکت افراد در دو فرهنگ تأکید دارند از جمله تاجفل (۱۹۸۷) بر این ایده است که احساس تعلق خاطر به دو فرهنگ مختلف در تکوین هویت قومی افراد اختلال ایجاد می‌کند. این مسأله ناشی از تضاد ارزشی، نگرشی و رفتاری گروه قومی با گروه و جامعه وسیع‌تر است (پنی، ۱۹۹۰: ۵۰۱). برخی نیز پررنگ شدن خاص‌گرایی و محلی‌گرایی در فرآیند جهانی‌شدن را به معنای پیشی گرفتن هویت قومی و محلی از هویت‌های عام‌تری چون هویت‌ملی تفسیر می‌کنند و معتقدند افراد تحت تأثیر عواملی هم‌چون مدرنیزاسیون، توسعه‌ی اقتصادی، پیشرفت وسائل ارتباط جمعی به تجدید نظر درباره هویت ملی خود پرداخته‌اند (هانتیگتون، ۱۳۸۴).

به نظر می‌رسد ریشه‌ی این نظریات به جامعه شناسان کلاسیک همچون دورکهیم[1]، وبر[2] و تونیس[3] بازمی‌گردد. آنان جوامع را به دو دسته‌ی سنتی و مدرن و صنعتی تقسیم کرده و هویت آن دو را در تقابل با یک‌دیگر تبیین می‌کردند؛ به نحوی که امکان توافق و سازگاری میان آن‌ها در

[1] Durkheim
[2] Weber
[3] Tonnies

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

زمان معین وجود ندارد (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۷). به این ترتیب هویت قومی و ملی پدیده‌هایی متضاد، دوقطبی، سازش ناپذیر و غیرقابل‌جمع هستند و فرآیند قوم‌گرایی روندی است که طی آن پیوند میان سرزمین و فرهنگ عمومی تضعیف می‌شود و امکان حفظ انسجام یک ملت در معرض چالش و تهدید قرار می‌گیرد. سیاست‌های یکسان‌سازی قومی نتیجه‌ی چنین رویکردی است.

ب- رویکرد غیرخطی و تعاملی به رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی: از این منظر لزوماً رابطه‌ی هویت ملی و قومی معکوس و کاهنده نیست، بلکه این امکان وجود دارد که این رابطه از نوع هم‌افزا و مثبت باشد و در حالت سازگاری و هم‌زیستی در افراد دیده شود. عمدتاً تکیه‌گاه نظریات سازگاری و درهم آمیختگی هویت قومی و ملی، هم‌سو با رویکرد «کنش متقابل نمادین» بر این ایده استوار است که افراد هم‌زمان می‌توانند در هویت‌های چندگانه و ترکیبی حضور داشته باشند. نظریه پردازان کنش متقابل نمادین اساساً «خود» افراد را ترکیبی و متشکل از چند هویت مجزا تعریف می‌کنند که در اثر تعاملات متقابل اجتماعی به صورت پایگاه درونی در افراد شکل‌گرفته است و لزوماً در تضاد و تعارض با یکدیگر قرارندارند. اگر چه این مسأله به این معنا نیست که تعهد فرد به همه‌ی آن‌ها یکسان است (صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷).

از منظر میشل فوکو[1] افراد تحت تأثیر موقعیت‌های مختلف و ساختارهای اجتماعی، در هویت‌های چندگانه احاطه شده‌اند. این هویت‌ها گسسته و مجزا نیستند بلکه از طریق پیوندهای متقابل با یک‌دیگر ترکیب شده‌اند (گاردن، ۱۳۸۵: ۸). به بیان گیدنز[2] هویت افراد همواره درحال تغییر است و افراد در شرایط گوناگون هویت‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۰). ژاک لاکان[3] نیز سوژه‌ی انسانی را دارای هویتی متکثّر، متغیّر و چندپاره توصیف می‌کند که ناشی از آمیزش شبکه‌های ارتباطی در یک‌دیگر و ایجاد هویت مرکب است (قزلسفلی، ۱۳۸۸: ۳۳۵).

به نظر می‌رسد در شکل گیری هویت‌های چندگانه می‌توان به طور هم‌زمان درجاتی از هم‌ذات پنداری با دو گروه قومی و ملی را ملاحظه کرد. افراد رفتارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری هر دو فرهنگ را می‌توانند درک و در آن مشارکت کنند بدون آن‌که تضادی را تجربه کنند. در این رهیافت ممکن است افراد در ارتباط با گروه قومی و ملی چهار استراتژی را انتخاب کنند:

[1] Michel Foucault
[2] Giddens
[3] Jacques Lacan

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱- انسجام[1] ۲- همگون سازی[2]۳- جدایی[3] و ۴ – در حاشیه ماندن[4]. افراد انسجام‌یافته به لحاظ هویتی کسانی هستند که در هر دو فرهنگ مشارکت دارند و نسبت به آن احساس تعلق خاطر می‌کنند. در استراتژی همگون‌سازی افراد به هویت ملی بیش‌تر گرایش دارند؛ در حالی که در استراتژی جدایی افراد گرایش به هویت قومیشان بیش‌تر است و افراد در حاشیه مانده با هر دو هویت احساس بیگانگی می‌کنند (امیرکافی و حاجیانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

به طورکلی در رهیافت سازگاری و تفاهم، سیاست‌های هویت‌سازی همگون و یک‌دست، کاری سخت و عبث می‌نماید. به بیان هابرماس[5] از آن‌جا که تضادها و بحران‌های هویتی ناشی از نبود آزادی و مشارکت حقیقی مردم در سرنوشتشان است، راه ایجاد وفاق و سازگاری در میان هویت‌های مختلف، گفتگوی آزاد و خردمندانه در حوزه‌ی عمومی است(هابرماس، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

پدیده‌های انسانی چون هویت ملی و هویت قومی متأثر از شبکه‌ی درهم تنیده‌ای از عوامل خرد، کلان، درون‌زا و برون‌زا است که مجال پرداختن به همه‌ی آن‌ها در حجم محدود این مقاله نیست. بنابراین علاوه بر بررسی نوع رابطه‌ی هویت ملی و قومی، متغیّرهای زمینه‌ای از قبیل جنسیت، سطح و نوع تحصیلات و مذهب دانشجویان بر دو متغیّر هویت ملی و قومی بررسی و نقش سایر متغیّرها هم‌چون نقش بیگانگان، نخبگان قومی، رسانه‌ها، احساس تبعیض و محرومیت ثابت نگه‌داشته خواهدشد.

۳ - پیشینه‌ی تحقیق

اهمیت یافتن موضوع هویت ملی و موضوع اقلیت‌ها و اقوام، مخصوصاً در کشورهای دارای تنوّع قومی و فرهنگی؛ توجه محققان داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است. در داخل کشور تحقیقات متعدد و مختلفی با موضوع هویت ملی و هویت قومی به نگارش درآمده است، لیکن در عمده‌ی این پژوهش‌ها ابزارهای سنجش یکسان نیست و کمتر موردی می‌توان یافت که از ابزار استاندارد مانند MIEA برای سنجش هویت ملی و قومی بهره برده باشند در حالی که مقیاس‌های استاندارد در نمونه‌های خارجی به وفور استفاده می‌شوند. مزیت این روش در این است که امکان مقایسه‌ی یافته‌های تحقیقات بهتر فرآهم می‌شود. مطالعات پیرامون هویت نسل

[1] Integration
[2] Assimilation
[3] Separation
[4] Marginalization
[5] Habermas

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جوان و دانشجو نیز با همین وضعیت روبه‌روست. لذا به نظر می‌رسد یافته‌های این مقاله بتواند به دانش مربوط به رابطه‌ی هویت ملی و قومی در میان قشر تأثیرگذار دانشجو بیفزاید.

تحقیق ربانی و همکاران (۱۳۸۸) یکی از نمونه مطالعاتی است که از ابزارهای استاندارد سنجش هویت ملی و قومی در میان دانشجویان آذری، کرد و عرب استفاده کرده‌است. یافته‌های این پژوهش رابطه‌ی دو متغیّر هویت ملی و قومی را مثبت و هم افزا نشان می‌دهد.

امیر کافی و حاجیانی(۱۳۹۲) نیز با ابزار سنجش مشابه «نسبت هویت قومی و ملی در جامعه‌ی چند قومیتی ایران» بررسی کرده است. نتایج تحلیل ثانویه این تحقیق نشان داد که رابطه دو متغیّر مذکور مثبت است و احساس تعلق به قومیت و دل‌بستگی به ملیت در میان اقوام ششگانه مورد مطالعه (ترکمن، آذری، بلوچ، عرب، لر و کرد) بالاست.

پاینده و جعفرزاده‌پور(۱۳۸۹) نیز رابطه‌ی هویت ملی و قومی را در میان جوانان دهدشت، حاتمی کاکش و کردونی(۱۳۸۸) در میان بختیاری‌ها، احمدلو (۱۳۸۱) در میان جوانان شهر تبریز و سخاوتی فر(۱۳۸۶) در میان ترکمن‌ها مطالعه کرده‌اند که همگی مؤیّد رابطه‌ای هم افزا و مثبت بوده است.

مقدس‌جعفری و همکارانش (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای رابطه‌ی مذکور را در میان جوانان کرد دانشگاه پیام نور سقز بررسی کرده‌اند. نتایج از میزان بالای هر دو متغیّر در میان نمونه‌ی آماری حکایت دارد با این وجود در بعد مؤلفه‌ی سیاسی نسبت پایبندی آنان به دولت، کم ارزیابی شده‌است.

در تحقیق عبداللهی و حسین‌بر(۱۳۸۱) با عنوان«گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران» گرایش قومیت بلوچ به هویت ملی مثبت و نسبتاً بالا بوده است، هر چند نسبت به مؤلفه‌ی سیاسی آن یعنی نظام سیاسی بی‌تفاوت بودند.

حاجیانی(۱۳۸۷) در یک طرح ملی به بررسی رابطه و نسبت گرایش به هویت ملی در میان اقوام ایرانی پرداخته است. نویسنده با بررسی شش گروه عمده‌ی قومی (کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و لرها) در نه شهر بزرگ قوم‌نشین کشور به این جمع‌بندی رسید که هویت قومی و ملی در میان اقوام ایرانی، به طور توأمان، قوّت و برجستگی دارند. در اکثر ابعاد این رابطه مثبت و قوی گزارش شده اما در بعد سیاسی فرضیه پژوهش را تأیید نمی‌کند.

توسلی و قاسمی(۱۳۸۱) مناسبات میان قومی را بر افزایش هویت جمعی در شهر ایلام بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه افزایش مناسبات متقابل میان قومی در حوزه‌های تعاملی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری، احساس تعلق و وفاداری اقوام ایلامی را به هویت‌های فراقومی از جمله هویت ملی تقویت می‌کند، هم‌چنین این موضوع توسط یوسفی (۱۳۸۰) بر روی داده‌های یک پیمایش ملی، نتایج مشابهی دربرداشت. ابوالحسنی(۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان«سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی» به مطالعه‌ی میزان هویت قومی، ملی، امتی و جهانی در میان شهروندان تهرانی پرداخته است. نتایج حاکی از آن بود که هویت ملی شهروندان بیش‌ترین مقدار را به خود اختصاص داد که دو هویت قومی و امتی در سازگاری با آن قرار داشت.

٤ - روش شناسی

این پژوهش از نوع پس رویدادی بوده و از پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) تنظیم و سؤال‌های آن از نوع بسته و پنج گزینه‌ای بوده و کلیه‌ی پرسش‌نامه‌ها توسط خود پاسخ‌گویان پر شده‌است. برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از نرم‌افزار SPSS22 و روش‌های توصیفی و تبیینی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بوده‌اند که از آن میان ۳۵۰ نفر بر اساس فرمول کوکران با دقت برآورد d=0/05 و حداکثر واریانس s^2 =0/25 ($s^2 = pq$) و سطح اطمینان ۹۵ درصد برگزیده شدند؛ اما پس از ریزش پرسش‌نامه‌های مخدوش ۲۹۴ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفت. برای گزینش نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد.

متغیّرهای وابسته‌ی این پژوهش «هویت ملی» و «هویت قومی» است. متغیّر هویت ملی با ۳۴ گویه و متغیّر هویت قومی با ۱۶ گویه سنجیده شده‌اند. هویت ملی شامل چهار مؤلفه‌ی فرهنگی – اجتماعی، سرزمینی(جغرافیایی)، سیاسی و تاریخی است که به ترتیب ۱۸، ۱۴، ۸ و ۶ سؤال برای سنجش آن انتخاب شده است. اما همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد، از میان مؤلفه‌های مذکور، بعد سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا این بعد احساس تعلق خاطر چهار گروه قومی- دانشجویی را نسبت به نظام سیاسی و دولت بازتاب می‌دهد. سؤالات ۲۳ تا ۳۰ پرسش‌نامه سنجش بعد سیاسی هویت ملی را به خود اختصاص داده است.

اعتبار ابزار اندازه‌گیری برای بررسی دقیق‌تر از طریق روش EFA مورد تحلیل دوباره قرار گرفت و نتایج نشان داد که مقادیر اشتراک استخراجی کلیه‌ی متغیّرها بالای ۰/۵ بود و نیازی به حذف گویه‌ها نبود. برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌ها در این زمینه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ پرسش‌نامه هویت ملی ۰/۹۱ و برای هویت قومی ۰/۸۴ بوده است که این امر نشان از پایداری درونی بالا میان گویه‌ها دارد. در این زمینه، برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی، هم‌بستگی پیرسون، آنوا و مانوا استفاده شده‌است.

۵ - یافته‌ها

الف) رابطه‌ی هویت ملی و قومی

برای آزمون فرضیه‌ی پژوهش، از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. در جدول شماره‌ی یک، روابط هم‌بستگی میان متغیّرهای هویت قومی و هویت ملی آمده است.

جدول شماره‌ی یک- آزمون آماری روابط هم‌بستگی هویت قومی و هویت ملی

متغیّرها	آزمون‌های آماری	هویت ملی
	هم‌بستگی پیرسون	٭٭۰/۳۸۹
هویت قومی	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
	فراوانی	۲۹۴

همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد فرضیه‌ی نخست یعنی رابطه‌ی مثبت و هم‌افزای دو متغیّر هویت ملی و قومی تأیید شده و شدّت رابطه در حد ۰/۳۸ است. این نتایج نشان می‌دهد نه تنها هویت قومی با احساس هویت ملی منافاتی ندارد بلکه مقوّم آن نیز هست؛ به عبارت دیگر، هر چقدر دانشجویان از هویت قومی بالاتری برخوردار هستند، از هویت ملی بیش‌تری نیز برخوردار می‌باشند. به این ترتیب رویکرد دوم از نظریات که معتقد به سازگاری و هم‌زیستی هویت ملی و قومی بود نیز تأیید می‌شود. شایان ذکر است که نتایج این بخش با یافته‌های مقدس جعفری و همکاران(۱۳۸۷)، احمدلو(۱۳۸۱)، سخاوتی‌فر(۱۳۸۶)، امیرکافی و حاجیانی(۱۳۹۲)، پاینده و جعفرزاده‌پور(۱۳۸۹)، ربانی و همکاران(۱۳۸۸)، عبداللهی و حسین‌بر(۱۳۸۱)، حاجیانی(۱۳۸۷) و ابوالحسنی(۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

ب) گروه بندی چهار قومیت مورد مطالعه بر حسب هویت ملی

جدول شماره‌ی دو-آزمون آنوا برای هویت ملی به تفکیک قومیت‌های مختلف

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۳۵۴۳/۱۵۷	۳	۱۱۸۱,۰۵۲	۲/۸۶۹	۰/۰۳۷
درون گروهی	۱۱۹۳۶۱/۸۵۳	۲۹۰	۴۱۱/۵۹۳		
کل	۱۲۲۹۰۵/۰۱۰	۲۹۳			

جدول شماره‌ی دو به بررسی و مقایسه‌ی میزان هویت ملی در میان دانشجویان با هویت‌های قومی مختلف می‌پردازد. بدین منظور از آزمون فیشر برای سنجش معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت ملی در میان دانشجویان استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر (۰/۰۳) معنی‌دار است و بنابراین تفاوت میانگین نمره‌ی هویت ملی در میان اقوام مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار است و بنابراین دانشجویان ترک، لر، فارس و کرد از لحاظ هویت ملی با هم متفاوت هستند.

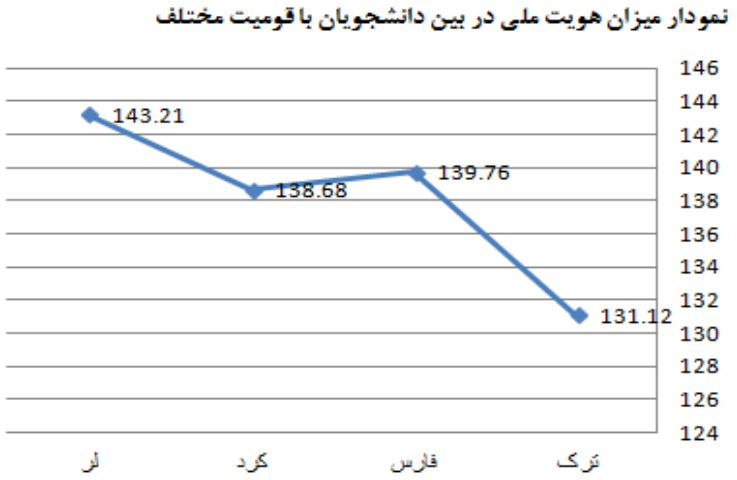

نمودار شماره‌ی یک- میزان هویت ملی دانشجویان با قومیت‌های مختلف

نمودار شماره‌ی یک میزان هویت ملی در میان دانشجویان با اقوام مختلف را نشان می‌دهد. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد دانشجویان با قومیت لر دارای بالاترین میزان هویت ملی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

دانشجویان با قومیت ترک دارای پایین‌ترین میزان هویت ملی هستند. دانشجویان فارس و کرد رتبه دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. در بیان ابعاد هویت ملی گفته شد که بعد سیاسی هویت ملی اهمیت ویژه‌ای دارد، لذا علاوه بر میزان هویت ملی دانشجویان، بعد سیاسی آن به‌طور جداگانه تحلیل شد. برخلاف پایین بودن میزان گرایش افراد نسبت به این بعد در نتایج پژوهش حاجیانی(۱۳۸۷)، عبداللهی و حسین‌بر(۱۳۸۱)و مقدس‌جعفری و همکارانش(۱۳۸۷)؛ نتایج نشان می‌دهد میانگین نمرات چهار گروه قومیتی در این خصوص در حد متوسط است.

جدول شماره‌ی سه- آزمون آنوا برای بعد سیاسی هویت ملی به تفکیک قومیت‌های مختلف

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۲۰۲/۲۰۱	۳	۶۷/۴۰۰	۱/۵۳۴	۰/۲۰۶
درون گروهی	۱۲۷۳۸/۷۹۶	۲۹۰	۴۳/۹۲۷		
کل	۱۲۹۴۰/۹۹۷	۲۹۳			

جدول شماره‌ی سه به بررسی نتیجه‌ی آزمون فیشر به منظور سنجش معنی‌داری تفاوت میانگین نمره‌ی هویت سیاسی در میان دانشجویان با قومیت‌های مختلف می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر(۰/۲۰) معنی‌دار نیست و بنابراین تفاوت میانگین نمره‌ی هویت سیاسی در میان قومیت‌های مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار نیست با این وجود یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان بعد سیاسی هویت ملی در حدّ متوسطی قراردارد.

پ)گروه بندی چهار قومیت مورد مطالعه بر حسب هویت قومی

جدول شماره‌ی پنج- آزمون آنوا برای هویت قومی به تفکیک قومیت‌های مختلف

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۱۰۵۵/۷۴۸	۳	۳۵۱ /۹۱۶	۵/۲۰۷	۰ /۰۰۲
درون گروهی	۱۹۵۹۹ /۳۴۰	۲۹۰	۶۷/۵۸۴		
کل	۲۰۶۵۵/۰۸۸	۲۹۳			

جدول شماره‌ی چهار به بررسی و مقایسه‌ی میزان هویت قومی در میان دانشجویان با هویت‌های قومی مختلف می‌پردازد. نتایج آزمون فیشر نشان می‌دهد که مقدار آزمون مذکور(۰/۰۰)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

معنی‌دار است و لذا تفاوت میانگین نمره‌ی هویت قومی در میان اقوام مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار بوده و بنابراین دانشجویان ترک، لر، فارس و کرد از لحاظ هویت قومی متفاوت از یک‌دیگر هستند.

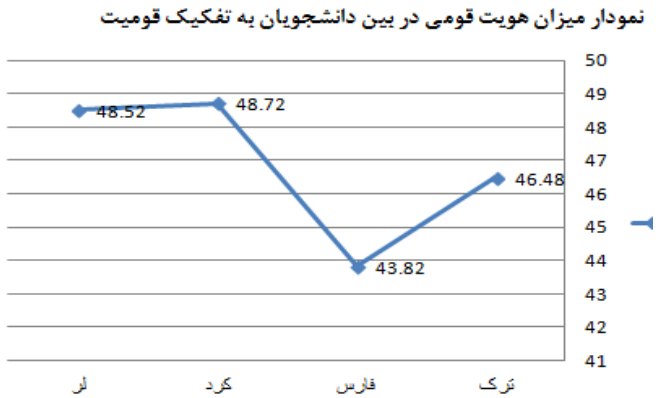

نمودار شماره‌ی دو- میزان هویت قومی در میان دانشجویان به تفکیک قومیت

نمودار شماره‌ی دو میزان هویت قومی در میان دانشجویان با اقوام مختلف را نشان می‌دهد. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد دانشجویان با قومیت کرد دارای بالاترین میزان هویت قومی و دانشجویان با قومیت فارس دارای پایین‌ترین میزان هویت قومی هستند. دانشجویان کرد با اختلاف اندک در مرتبه‌ی دوم قرار دارند و ترک زبانان رتبه‌ی سوم را به خود اختصاص دادند.

ح) بررسی هویت ملی و هویت قومی چهار گروه قومی – دانشجویی برحسب متغیّرهای زمینه‌ای(جنس، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و مذهب)

جدول شماره‌ی پنج- آزمون تی استیودنت برای هویت ملی به تفکیک گروه‌های جنسیتی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	F	معنی‌داری	t	معنی‌داری
مردان	۱۳۹	۱۳۳/۴۷	۲۲/۱۸۳۴۷	۵/۸۴۴	۰/۰۱۶	۴/۰۴۹	۰/۰۰۰
زنان	۱۵۵	۱۴۳/۰۰	۱۷/۶۰۸۴۸				

برای آزمون تأثیر جنسیت بر هویت ملی از آزمون تی استفاده شد. نتایج آزمون t (t=۴/۰۴ و sig=۰/۰۰) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه پسر(۱۳۳/۴۷) و دختر (۱۴۳/۰۰) تفاوت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

معنی‌داری با یک‌دیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میانگین هویت ملی باهم متفاوت هستند و به اصطلاح فرض H_1 که دلالت بر معنی‌داری تفاوت دارد، تأیید می‌شود. نتایج فوق نشان می‌دهد که دانشجویان دختر از میزان هویت ملی بالاترین نسبت به دانشجویان پسر برخوردار هستند.

جدول شماره‌ی شش- آزمون تی استیودنت برای هویت قومی به تفکیک گروه‌های جنسیتی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	F	معنی‌داری	t	معنی‌داری
مردان	۱۳۹	۴۵/۳۴۵۳	۹/۱۱۰۲۰	۳/۷۸۱	۰/۰۵۳	۰/۴۱۷	۰/۶۷۷
زنان	۱۵۵	۴۴/۹۳۵۵	۷/۷۲۴۷۱				

برای آزمون تأثیر جنسیت بر هویت قومی نیز از آزمون تی استفاده شد. نتایج آزمون t (t=۰/۴۱ و sig=۰/۶۷) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه پسر(۴۵/۳۴) و دختر (۴۴/۹۳) تفاوت معنی‌داری با یک‌دیگر نداشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میانگین هویت قومی با هم‌دیگر شباهت دارند و به اصطلاح فرض H_0 که دلالت بر عدم معنی‌داری تفاوت دارد، تأیید می‌شود. هر چند که به نظر می‌رسد میزان هویت قومی به میزان اندکی در میان دانشجویان پسر در مقایسه با دانشجویان دختر بالاتر است.

جدول شماره‌ی هفت- آزمون آنوا برای هویت ملی به تفکیک سطوح تحصیلی

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۵۴۷۷/۲۷۹	۲	۲۷۳۸/۶۳۹	۶/۸۲۱	۰/۰۰۱
درون گروهی	۱۱۶۸۴۰/۲۲۱	۲۹۱	۴۰۱/۵۱۳		
کل	۱۲۲۳۱۷/۵۰۰	۲۹۳			

جدول شماره‌ی هفت به بررسی نقش میزان تحصیلات بر هویت ملی دانشجویان می‌پردازد. این جدول نتیجه‌ی آزمون فیشر را به منظور سنجش معنی‌داری تفاوت میانگین نمره‌ی هویت ملی در میان دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر(۶/۸۲) با اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار است و بنابراین تفاوت میانگین نمره‌ی هویت ملی در میان سطوح مختلف تحصیلی دانشجویان به لحاظ آماری معنی‌دار است و بنابراین به نظر می‌رسد سطح تحصیلات نقش مهمی در میزان هویت ملی دانشجویان دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

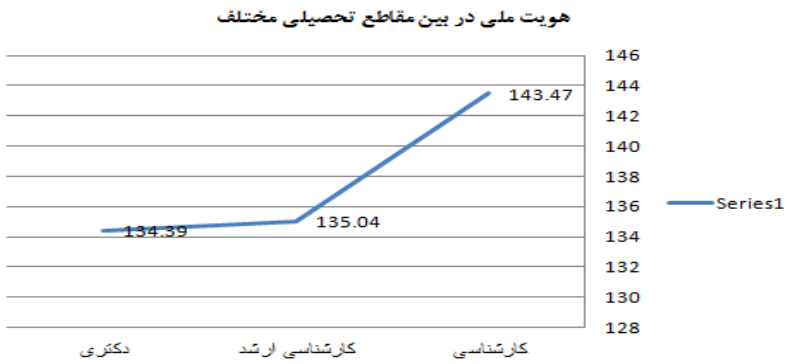

نمودار شماره‌ی سه- هویت ملی در میان مقاطع تحصیلی مختلف

نمودار فوق ساختار تفاوت میانگین نمرات هویت ملی در میان دانشجویان بر اساس سطوح مختلف تحصیلی را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نمودار نشان‌می‌دهد، با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها و ترتیب آن‌ها دانشجویان مقطع دکتری با نمره‌ی (۱۳۴/۳۹) کمترین نمره‌ی هویت ملی و دانشجویان مقطع کارشناسی با میانگین (۱۴۳/۴۷) بیش‌ترین نمره‌ی هویت ملی را دارا هستند. بنابراین به نظر می‌رسد به هر میزان که سطح تحصیلات دانشجویان بالاتر می‌رود از میزان هویت ملی آن‌ها کاسته می‌شود.

جدول شماره‌ی هشت- آزمون آنوا برای هویت قومی به تفکیک سطوح مختلف تحصیلی

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۵۵/۱۳۶	۲	۲۷ /۵۶۸	۰/۳۸۹	۰/۶۷۸
درون گروهی	۲۰۵۹۹/۹۵۳	۲۹۱	۷۰/۷۹۰		
کل	۲۰۶۵۵/۰۸۸	۲۹۳			

جدول شماره‌ی هشت به بررسی نقش سطح تحصیلات بر هویت قومی دانشجویان می‌پردازد. این جدول به بررسی نتیجه آزمون فیشر به منظور سنجش معنی‌داری تفاوت میانگین نمره‌ی هویت قومی در میان دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر(۰/۳۸) معنی‌دار نیست و بنابراین تفاوت میانگین نمره‌ی هویت قومی در بین سطوح مختلف تحصیلی دانشجویان به لحاظ آماری معنی‌دار نیست و بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً سطح تحصیلات نقش مهمی در میزان هویت قومی دانشجویان نداشته است. هر چند بر اساس نمودار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

زیر می‌توان گفت که با تفاوت اندک دانشجویان مقطع دکتری دارای بالاترین میزان هویت قومی و دانشجویان کارشناسی ارشد دارای پایین‌ترین میزان هویت قومی هستند.

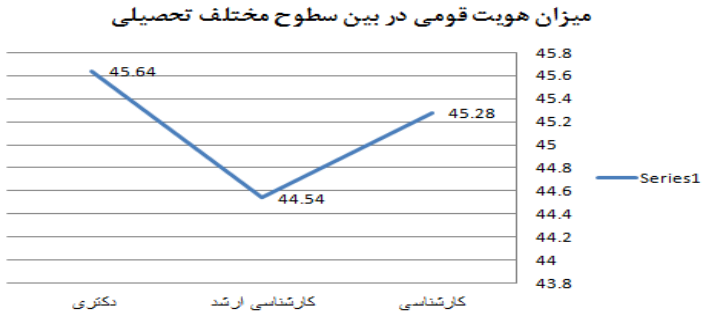

نمودار شماره‌ی سه- میزان هویت قومی در بین سطوح مختلف تحصیلی

جدول شماره‌ی نه- آزمون آنوا برای هویت ملی به تفکیک رشته‌های تحصیلی

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۳۵۴۸/۲۳۰	۳	۱۱۸۲ /۷۴۳	۲/۸۸۸	۰/۰۳۶
درون گروهی	۱۱۸۷۶۹/۲۷۰	۲۹۰	۴۰۹/۵۴۹		
کل	۱۲۲۳۱۷/۵۰۰	۲۹۳			

جدول شماره‌ی نه به بررسی نقش نوع رشته‌ی تحصیلی بر هویت ملی می‌پردازد. این جدول نتیجه آزمون فیشر را به منظور سنجش معنی‌داری تفاوت میانگین نمره‌ی هویت ملی در میان دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر(۲/۸۸) با اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار است و بنابراین تفاوت میانگین نمره‌ی هویت ملی در میان سطوح مختلف تحصیلی دانشجویان به لحاظ آماری معنی‌دار است و بنابراین به نظر می‌رسد نوع رشته‌ی تحصیلی نقش مهمی در میزان هویت ملی دانشجویان دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

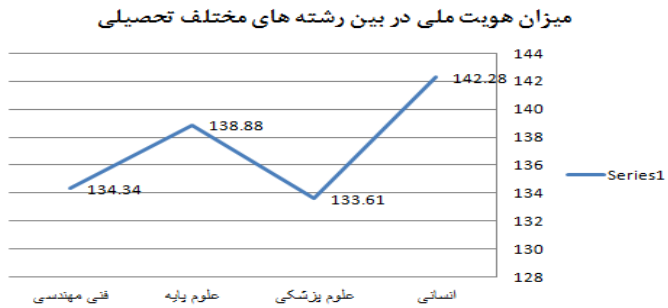

نمودار شماره‌ی چهار-میزان هویت ملی در میان سطوح مختلف تحصیلی

نمودار فوق ساختار تفاوت میانگین نمرات هویت ملی در میان دانشجویان بر اساس نوع رشته‌ی تحصیلی را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نمودار نشان می‌دهد، با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها و ترتیب آنها دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه به ترتیب با نمره‌ی ۱۴۲ و ۱۳۸ بیش‌ترین نمره‌ی هویت ملی و دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی و فنی مهندسی با میانگین ۱۳۳ و ۱۳۴ کمترین نمره‌ی هویت ملی را دارا هستند.

جدول شماره‌ی ده- آزمون آنوا برای هویت قومی به تفکیک رشته‌های تحصیلی

	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
میان گروهی	۹۶/۵۵۳	۳	۳۲/۱۸۴	۰/۴۵۴	۰/۷۱۵
درون گروهی	۲۰۵۵۸/۵۳۵	۲۹۰	۷۰/۸۹۲		
کل	۲۰۶۵۵/۰۸۸	۲۹۳			

جدول شماره‌ی ده به بررسی نقش رشته‌ی تحصیلی بر هویت قومی دانشجویان می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر (۰/۴۵) معنی‌دار نیست و بنابراین تفاوت میانگین نمره‌ی هویت قومی در میان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشجویان به لحاظ آماری معنی‌دار نیست و بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً نوع رشته‌ی تحصیلی نقش مهمی در میزان هویت قومی دانشجویان نداشته است. با این وجود با تفاوت اندکی دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی دارای بالاترین میزان هویت قومی و دانشجویان علوم پزشکی دارای پایین‌ترین میزان هویت‌قومی هستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

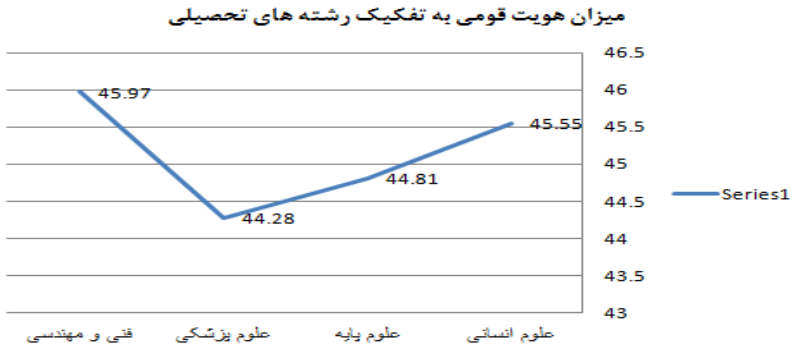

نمودار شماره‌ی چهار- میزان هویت قومی به تفکیک رشته‌های تحصیلی

جدول شماره‌ی یازده-آزمون‌های اثرات میان آزمودنی‌ها

متغیّر درونداد	متغیّر ملاک	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
مذهب	هویت ملی	۱۲۱۱/۱۱۴	۲	۶۰۵/۵۵۷	۱/۵۲۴	۰/۲۲۰
	هویت قومی	۹۳۳/۱۸۵	۲	۴۶۶/۵۹۲	۷/۱۷۹	۰/۰۰۱

جدول شماره‌ی یازده نتایج مربوط به معنی‌داری یا عدم معنی‌داری رابطه‌ی مذهب با دو متغیّر هویت ملی و هویت قومی و هم‌چنین تأثیر آن‌را نشان می‌دهد. در مورد اثر نوع مذهب بر میزان هویت قومی و ملی شاهد عدم تفاوت نمره‌ی میانگین هویت ملی در میان دانشجویان هستیم (sig=۰/۲۲ و F=۱/۵۲ برای متغیّر هویت ملی). اما یافته‌ها نشان می‌دهد که نوع مذهب رابطه‌ی معنی‌داری با میزان هویت قومی دانشجویان دارد (sig=۰/۰۰ و F=۷/۱۷ برای متغیّر هویت قومی). یعنی دانشجویان با مذاهب مختلف، از میزان هویت قومی متفاوتی برخوردار هستند.

جدول شماره‌ی دوازده- میانگین‌های حاشیه‌ای هویت ملی

متغیّر ملاک	مذهب	قومیت	میانگین	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵درصد	
					حد پایین	حد بالا
هویت ملی	شیعه	فارس	۱۳۹/۷۶۶	۱/۴۳۹	۱۳۶/۹۳۴	۱۴۲/۵۹۷
		آذری	۱۳۱/۱۲۰	۲/۸۱۹	۱۲۵/۵۷۱	۱۳۶/۶۶۹
		کرد	۱۴۷/۱۰۵	۴/۵۷۴	۱۳۸/۱۰۳	۱۵۶/۱۰۷
		لر	۱۴۳/۱۸۲	۴/۲۵۰	۱۳۴/۸۱۶	۱۵۱/۵۴۸
	سنی	کرد	۱۳۰/۴۲۹	۷/۵۳۵	۱۱۵/۵۹۸	۱۴۵/۲۶۰
	غیر مسلمان	کرد	۱۰۴/۶۶۷	۱۱/۵۱۰	۸۲/۰۱۲	۱۲۷/۳۲۱
		لر	۱۴۴/۰۰۰	۱۹/۹۳۶	۱۰۴/۷۶۱	۱۸۳/۲۳۹

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی دوازده نشان می‌دهد که دانشجویان کرد شیعه مذهب با میانگین ۱۴۷/۱۰ از بیش‌ترین هویت ملی برخوردار بودند و در مقابل دانشجویان کردی که دارای مذهبی غیر از اسلام بودند، با میانگین ۱۰۴/۶۶دارای کمترین میزان هویت ملی بودند. پس از دانشجویان کرد شیعه به ترتیب دانشجویان لر، فارس، آذری و کرد سنی مذهب در رتبه‌های بعدی به لحاظ گرایش به مؤلفه‌های هویت ملی قرار دارند. به بیان دیگر کردهای شیعه بیش‌ترین گرایش ملی و کردهای سنی و غیر مسلمان از کمترین میزان هویت ملی برخوردارند. اما دانشجویان متعلق به قومیت لر با هر نوع مذهب از هویت ملی بالایی برخورداند. دانشجویان ترک نیز اگرچه شیعه مذهب بودند، اما همان‌طور که پیش‌تر در نمودار جدول شماره‌ی دو گفته شد به نسبت گرایشات ملی پایینی دارند. در واقع گروه‌بندی قومیت‌های دانشجویی بر حسب هویت ملی و متغیّر مذهب بدین ترتیب به‌دست آمد: کرد شیعه> لر غیر مسلمان > لر شیعه > فارس > ترک > کرد سنی و غیر مسلمان.

جدول ۱۳شماره‌ی سیزده- میانگین‌های حاشیه‌ای هویت قومی

متغیّر ملاک	مذهب	قومیت	میانگین	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵درصد	
					حد پایین	**حد بالا**
هویت قومی	**شیعه**	**فارس**	۴۳/۸۲۸	۸ / ۲.	۴۲/۶۸۳	۴۴ /۹۷۳
		آذری	۴۶/۴۸۰	۱ /۱۴۰	۴۴/۲۳۶	۴۸/۷۲۴
		کرد	۴۷/۰۰۰	۱ /۸۵۰	۴۳ /۳۶۰	۵۰/۶۴۰
		لر	۴۸/۰۹۱	۱/۷۱۹	۴۴/۷۰۸	۵۱/۴۷۴
	سنی	**کرد**	۵۷/۴۲۹	۳ /۰۴۷	۵۱/۴۳۱	۶۳/۴۲۶
	غیر مسلمان	**کرد**	۳۹/۳۳۳	۴/۶۵۵	۳۰/۱۷۲	۴۸/۴۹۵
		لر	۵۸/۰۰۰	۸/۰۶۲	۴۲/۱۳۲	۷۳/۸۶۸

سرانجام جدول شماره‌ی سیزده نشان می‌دهد اقوام لر و کردی که دارای مذهب شیعه بودند به ترتیب با میانگین ۴۸/۰۹ و ۴۷/۰۰ دارای میزان هویت قومی بیش‌تری نسبت به اقوام آذری با میانگین ۴۶/۴۸ و فارس با میانگین ۴۳/۸۲ هستند. هم‌چنین تنها قومیتی که دارای مذهب تسنن بود قوم کرد است که دارای میانگین ۵۷/۴۲ برای میزان هویت قومی بود که در رتبه‌ی دوم و بالاتر از لر و کرد شیعه قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، دانشجویان کرد و لری که دارای مذهبی به غیر از اسلام بودند به ترتیب از میانگین هویت قومی ۳۹/۳۳ و ۵۸/۰۰ برخوردار بودند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد در نمونه‌ی مورد بررسی دانشجویان کرد غیرمسلمان دارای کمترین میزان هویت قومی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بودند و دانشجویان لر غیرمسلمان از بالاترین میزان هویت قومی برخوردار بودند. گروه‌بندی قومیت‌های دانشجویی بر حسب هویت قومی و متغیّر مذهب نیز به این ترتیب حاصل شد: لر غیر مسلمان> کرد سنی> لر > کرد شیعه > ترک > فارس> کرد غیر مسلمان. بر اساس جدول فوق تأثیر مذهب بر هویت قومی دانشجویان کرد ویژه است. بر این اساس کردها در سه گروه شیعه، سنی و غیر مسلمان دارای هویت قومی متفاوتی هستند. کرد سنی با میانگین ۵۷/۴۲، کرد شیعه با میانگین۴۷/۰۰ و کرد غیرمسلمان با میانگین۳۹/۳۳ در میان سایر گروه‌ها پراکنده می‌شوند به عبارت دیگر مذهب سنی هویت قومی را تشدید کرده و تعلق به دینی غیر از اسلام، هویت قومی آنان را در پایین رتبه قرار می‌دهد.

۶ - نتیجه گیری

تحلیل داده‌های این تحقیق که بر روی ۲۹۴ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران با چهار قومیت لر، کرد، ترک و فارس انجام شد، نشان داد که میان دو متغیّر هویت ملی و هویت قومی رابطه‌ی هم‌افزا و مثبت وجود دارد و شدّت این رابطه در حد ۰/۳۸ است. این نتیجه نه تنها همسو با بسیاری از تحقیقات مشابه انجام شده درباره قومیت‌های مختلف در ایران بود بلکه مؤیّد و هم جهت با آن‌دسته از نظریاتی است که معتقدند لزوماً رابطه‌ی هویت ملی و قومی معکوس و کاهنده نیست بلکه این امکان وجود دارد که این رابطه از نوع هم‌افزا و مثبت باشد و در حالت سازگاری و هم‌زیستی در افراد دیده شود. بر این اساس افراد دارای هویت‌های چندگانه و ترکیبی هستند که لزوماً تعهد فرد به همه‌ی آنان یکسان نیست. به عبارت دیگر افراد می‌توانند الگوهای ارزشی و رفتاری هر دو هویت ملی و قومی را درک کنند، در آن مشارکت کنند، بدون آن‌که دچار تضاد و تعارض هویتی شوند.

همان‌طورکه گفته شد افراد ممکن است در ارتباط با گروه قومی و ملی چهار استراتژی را انتخاب کنند. نتایج این پژوهش را می‌توان در پیوستار چهار استراتژی هویتی خلاصه کرد به نحوی که در دو سر این پیوستار استراتژی «انسجام» و «در حاشیه ماندن» قرار دارد. افرادی که استراتژی انسجام را بر می‌گزینند دارای میزان بالایی از دو هویت هستند و در هر دو فرهنگ قومی و ملی مشارکت دارند. نتایج ما دانشجویان لر را واجد چنین استراتژی می‌داند. زیرا در نمودارها و جداول مربوطه نشان دادیم که هویت ملی و قومی این قومیت به نسبت سایرین در مرتبه‌ی بالایی قرار دارد. در مقابل دانشجویانی که درحاشیه قرار دارند احساس تعلق و وفاداریشان نسبت به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مؤلفه‌های هر دو هویت پایین است. به نظر می‌رسد دانشجویان دارای قومیت ترک از تعلق قومی و ملی کمتری برخوردار هستند. در وسط پیوستار استراتژی‌های هویتی دو استراتژی «همگون‌سازی» و «جدایی» قرار دارد. دانشجویانی که هویت ملی در آنان قوی‌تر از تعلقات قومی است واجد چنین استراتژی هستند و کسانی که هویت قومی بالاتری دارند در استراتژی جدایی قابل تبیین‌اند. همان‌طور که انتظار می‌رود قوم فارس به دلیل تسلط و غلبه‌ی قومی تمایل به استراتژی همگون‌سازی دارد و در مقابل قومیت کرد به استراتژی«جدایی» نزدیک‌تراند. چنین وضعیتی معلول عوامل خرد و کلان فراوانی است که شرح آن برای هر قومیت دانشجویی، نیازمند تحقیقات مفصلی است که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

بررسی تأثیر متغیّرهای زمینه‌ای بر هویت قومی و ملی دانشجویان دانشگاه تهران نشان داد که متغیّر مذهب هر چند تأثیر معناداری بر هویت ملی چهار قومیت دانشجویی نداشته، با هویت قومی آنان رابطه‌ی معناداری دارد. به عبارت دیگر رتبه‌بندی قومیت‌های دانشجویی بر حسب هویت قومی، با ورود متغیّر مذهب تغییر کرد که رفتار قومیت کرد در این نتایج حایز اهمیت بود.

سایر نتایج نشان داد که متغیّرهای زمینه‌ای چون جنسیت، سطح و نوع تحصیلات بر روی هویت قومی دانشجویان تأثیری نداشت، اما متغیّرهای مذکور به نظر می‌رسد بر میزان هویت ملی دانشجویان اثر گذار بوده است. میزان هویت ملی در دختران بیش‌تر از مردان بود هم‌چنین با افزایش سطح تحصیلات دانشجویان از میزان هویت ملی آنان کاسته شد به علاوه مقایسه میانگین‌ها نشان‌داد دانشجویان رشته‌های علوم‌پزشکی و فنی‌مهندسی کمترین نمره‌ی هویت ملی را دارا هستند و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم‌پایه بیشترین نمره‌ی هویت‌ملی به خود اختصاص داده‌اند.

به نظر می‌رسد تأثیر عامل مذهب در افزایش هویت قومی دانشجویان کرد و رابطه‌ی منفی سطح تحصیلات با هویت ملی در کنار رتبه‌ی پایین هویت ملی و قومی در میان دانشجویان علوم پزشکی و فنی ومهندسی نیازمند توجه ویژه از طرف مسؤولان و سیاست‌گزاران اجتماعی و فرهنگی است. آنچه از نتایج این تحقیق و بسیاری از تحقیقات مشابه برمی‌آید این است که سیاست‌های یکسان‌سازی فرهنگی تجربه شکست خورده‌ای بیش نیست. بلکه به نظر می‌رسد اقداماتی نظیر ایجاد فضای آزاد گفتگو و تعامل در میان گروه‌های قومی- دانشجویی در قالب برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی به وفاق و انسجام بیش‌تر آنان کمک کند. هم‌چنین مشارکت گروه‌های قومی در امور اجرایی، فرهنگی و آموزشی دانشگاه علاوه بر افزایش اعتماد آنان به نظام

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اجتماعی و سیاسی به افزایش روحیه‌ی مسؤولیت‌پذیری و تعهد نسبت به باورهای ملی منجر خواهد شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منابع

۱. ابوالحسنی، سید رحیم(۱۳۸۸) «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه‌ی موردی: شهروندان تهرانی»، **فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره‌ی ۳۹، ش۲.

۲. احمدلو، حبیب (۱۳۸۳) **بررسی رابطه‌ی هویت ملی و قومیت در بین جوانان تبریز**، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران :دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.

۳. احمدی پور، زهرا؛ حیدری موصلو، طهمورث و حیدری موصلو طیب (۱۳۸۹) «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار»، **انتظام اجتماعی**، س ۲، ش۱.

۴. احمدی، حمید (۱۳۸۳) «هویت و قومیت در ایران»، در کتاب **هویت در ایران**، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۵. ---------- (۱۳۷۷) **قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت**، تهران: نشر نی.

۶. افروغ(۱۳۸۰) **هویت ایرانی**، تهران: انتشارات بقعه.

۷. افروغ، عماد(۱۳۷۷) **فضا و نابرابری‌های اجتماعی، ارائه‌ی الگویی برای جداگزینی فضایی و پیامدهای آن**، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

۸. امیر کافی، مهدی و ابراهیم حاجیانی(۱۳۹۲) «نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه‌ی چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه‌ی سه رهیافت نظری»، **فصلنامه‌ی راهبرد**، س۲۲، ش ۶۶.

۹. بارت، مارتین(۱۳۸۱) « شکل گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی»، ترجمه‌ی محمود شهابی، **مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی** شماره‌ی ۲.

۱۰. پاینده، محبوبه و فروزنده جعفرزاده، (۱۳۸۹) « بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهدشت»، **دوفصلنامه‌ی علمی_تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه**، ش۵.

۱۱. توسلی، غلامعباس و یارمحمد قاسمی(۱۳۸۱) «مناسبات قومی و رابطه‌ی آن با تحول هویت جمعی، نمونه‌ی مطالعه: ایلام»، **مجله‌ی جامعه شناسی ایران**، دوره ۴، ش ۴.

۱۲. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) **هویت اجتماعی**، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، نشر شیرازه.

۱۳. حاتمی کاکش، فرزین و روزبه کردونی(۱۳۸۸)« بررسی رابطه میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین بختیاری‌ها»، **مجله‌ی جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)**، س۱، ش۲.

۱۴. حاجیانی، ابراهیم(۱۳۸۷) «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، **مجله‌ی جامعه شناسی ایران**، دوره ی۹، شماره‌ی ۳ و ۴.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۵. ربانی و دیگران(۱۳۸۸) «رابطه‌ی هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاهای دولتی ایران»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملی**، سال۸، ش ۳۹.

۱۶. رجایی، فرهنگ**(۱۳۸۲) مشکله‌ی هویت**، تهران: نشر نی.

۱۷. سخاوتی فر، علی (۱۳۸۶) **بررسی رابطه‌ی هویت ملی و قومیت در بین ترکمن‌ها**، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، مازندران :دانشگاه مازندران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.

۱۸. سلیمی، حسین (۱۳۷۹) «هویت یابی: جریان سرنوشت ساز در میان مسلمانان بالکان»، در کتاب **تحولات منطقه‌ی بالکان**، به اهتمام محمد قدسی تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۱۹. ---------- (۱۳۸۶) « نگرشی سازه انگارانه به هویت ملی در ایران»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملی**، س۸، ش۳۱.

۲۰. شیخاوندی، داور(۱۳۸۱) «تکوین و تکون هویت ملی در جریان تربیت» **مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی**، ش۲.

۲۱. صدیق سروستانی، رحمت الله و ابراهیم حاجیانی(۱۳۸۷) «مطالعه تجربی منابع هویت ایرانی»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملی**، س۹، ش۲.

۲۲. قزلسفلی، محمد تقی(۱۳۸۸)؛ «رسانه و ساخت هویت ملی» **فصلنامه‌ی سیاست مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی**، دوره‌ی ۳۹، شماره‌ی۳.

۲۳. قمری، داریوش(۱۳۸۴) **هم‌بستگی ملی در ایران**، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات ملی.

۲۴. گاردن، مارشال(۱۳۸۵) «دایره المعارف جامعه شناسی»، ترجمه‌ی قدرت‌اله بازگیر، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی**، ش۴.

۲۵. گیدنز، آنتونی(۱۳۷۸) **تجدّد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۲۶. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، مقدس، علی‌اصغر، تقوی نسب، سید مجتبی(۱۳۸۸) «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، **جامعه شناسی کاربردی**، س ۲۰، ش ۱.

۲۷. مدرسی، یحیی(۱۳۸۴) «پلورالیسم قومی – زبانی و هویت ملی» **نامه‌ی انسان شناسی**، س۴، ش ۱ و ۲.

۲۸. مقدس جعفری، محمد حسین و همکاران(۱۳۸۷) «رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد: مطالعه‌ی موردی دانشگاه پیام نور سقز»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملی**، س۹، ش ۱.

۲۹. میلر، دیوید(۱۳۸۲) **ملیت**، ترجمه‌ی داود غرایاق زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۳۰. نوچه فلاح، رستم(۱۳۸۳) «هویت؛ واقعیتی ثابت یا سیال»، در کتاب **مبانی نظری هویت و بحران هویت** به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۳۱. هابرماس، یورگن(۱۳۸۰) **جهانی شدن و آینده‌ی دموکراسی – منظومه‌ی پساملی**، ترجمه‌ی پولادی، تهران: نشر مرکز.

۳۲. هانتینگتون، ساموئل (1384) **چالش های هویت در امریکا**، ترجمه‌ی محمودرضا گلشن پژوه، حسن سعید کلاهی خیابان و عباس کاردان، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۳۳. یوسفی، علی(۱۳۸۰) «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران: تحلیلی ثانویه بر داده های یک پیمایش ملی»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملی**؛ س۲، ش ۸.

34. Appiah A.(2001) « African Identity" in The New Social Theory Reader, Seidman and Alexander(eds)» **The new social theory reader: contemporary debate**, London: Routledge.

35. Craib, I.(1998) **Experiencing identity**, Sage Publications.

36. Gellner, Ernest. (1983) **Nations and Nationalism:New perspectives on the past** .Basil Blackwell: Oxford.

37. Hobsbawm, E.j (1992) **Nations and Nationalism since 1780**. Second edition 1990, Cambridge: Cambridge University Press.

38. Johnson, A. (1997) **The Blackwell Dictionary of Sociology**, Blackwell Publishers.

39. Keith, M & Pile, S.(1993) **Place and the Politics of Identity**: London and New York.

40. Phinney, J. S. (1990)«Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review of Research», **Psychological Bulletin**, Vol. 108, No. 3.

41. ---------- (2001) «Ethnic identity, immigration, and well-Being: An Interactional perspective», **Journal of social issues**, 57(3): 493-511.

42. Smith, A.D.(1971)**Theories of Nationalism**, New York: Horper & Row

43. Tajfel, H.(1972)**The context of social psychology: A critical assessment**,. Oxford, England: Academic Press.

44. Umana-Taylor, (2008) «A longitudinal examination of Latino adolescents' ethnic identity, coping with discrimination, and self-esteem», Journal of Early Adolescence, 28(1): 16-50

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]